

**Comparative Studies  
in Jurisprudence,  
Law, and Politics**

## **Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Iranian Law with a View to Judicial Practice**

1. Soheyl Zangi: PhD Student, Department of Private Law, United Arab Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates
2. Nejad Ali Almasi\*: Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: nalmasi@ut.ac.ir (Corresponding Author)
3. Hossein Mehrpour Mohammadabadi: Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

### **ABSTRACT**

The objective of the present article is to examine the recognition and enforcement of foreign judgments in Iranian law with a view to judicial practice. The results indicate that, in the Iranian legal system, foreign judgments are enforceable when the issuing country, according to its domestic laws, or through a treaty or court order, recognizes judgments issued by Iran as valid. If a foreign judgment is rejected by an Iranian court due to incompatibility with Iranian public order and good morals, contradiction with international treaties, involvement with immovable property located in Iran, or inconsistency with a foreign judgment previously issued by one of the courts in Iran, such foreign judgments cannot be recognized and enforced in Iran. At times, judicial practice reveals that courts face a state of confusion when dealing with the enforcement of foreign judgments in Iran. For instance, in one case, an Iranian family court, when reviewing a request for the recognition and enforcement of a divorce judgment issued by a Danish court, without issuing an enforcement order, delved into the merits of the case. In response to the plaintiff's request, the court adjudicated the request for recognition and divorce in accordance with Iranian law, considering the requested judgment as a presumption and indication for its own divorce ruling. Following a substantive review, the court issued the divorce judgment based on Article 1130 of the Iranian Civil Code. In another separate judgment, the court addressed a request for the recognition of divorce and, based on the reasoning that the divorce judgment issued by the California Supreme Court indicated the termination of the marital relationship and that its compliance with Islamic marriage regulations and the performance of the Islamic divorce formula under Islamic conditions were confirmed by an Islamic marriage registrar, the court recognized the California judgment pursuant to Articles 6 and 972 of the Iranian Civil Code.

**Keywords:** *Recognition, Enforcement, Foreign Judgments, Judicial Practice, Public Order, Good Morals.*

How to cite: Zangi, S., Almasi, N. A., & Mehrpour Mohammadabadi, H. (2025). Recognition and Enforcement of Foreign Judgments in Iranian Law with a View to Judicial Practice. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 286-301.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 December 2024  
Revise Date: 10 January 2025  
Accept Date: 25 January 2025  
Publish Date: 21 April 2025



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

## شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران با نگاهی به رویه قضایی

۱. سهیل زنگی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، رشته حقوق خصوصی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی
۲. نجادعلی الماسی\*: استادیار، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران. پست الکترونیک: [nalmasi@ut.ac.ir](mailto:nalmasi@ut.ac.ir) (نویسنده مسئول)
۳. حسین مهرپورمحمدآبادی: استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق شهید بهشتی، تهران، ایران

### چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران با نگاهی به رویه قضایی است. نتایج بیانگر این امر است که در نظام حقوقی ایران، احکام خارجی‌ای قابل اجرا هستند که کشور صادرکننده حکم طبق قوانین داخلی خود، یا عهدنامه یا قرار دادگاه، احکام صادره از ایران را معتبر بداند. در صورت مردود اعلام شدن حکم خارجی از سوی دادگاه ایران، مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه ایران، مغایرت با عهود بین، حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران، مخالف حکم خارجی در یکی از دادگاه‌های ایران صادر شده باشد، احکام خارجی در ایران قابل شناسایی و اجرا نیست. گاهی اوقات در رویه محاکم دیده می‌شود که دادگاه‌ها با یک حالت سردرگمی با موضوع اجرای احکام خارجی در ایران مواجه هستند. مثلاً دادگاه خانواده ایران در یک مورد در رسیدگی به تقاضای تنفیذ و حکم طلاق صادره از دادگاه دانمارک بدون صدور دستور اجرا، وارد ماهیت دعوی شده و به تقاضای خواهان، درخواست تنفیذ و طلاق وی را طبق قوانین ایران رسیدگی کرده و حکم مورد درخواست را اماره و قرینه‌ای برای حکم طلاق خود فرض کرده و پس از رسیدگی ماهیتی به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ایران حکم طلاق صادر کردند. در احکام جداگانه دیگری به درخواست تنفیذ طلاق رسیدگی و با این استدلال که حکم دادگاه طلاق صادره از سوی دادگاه عالی کالیفرنیا حاکی از اعلام خاتمه رابطه زناشویی بوده و تأیید مراتب شرعی بودن آن از طرف سردفتر ازدواج اسلامی و اجرای صیغه طلاق شرعی با شرایط شرعی به استناد ماده ۶ و ۹۷۲ قانون مدنی، حکم دادگاه کالیفرنیا را تنفیذ کرده است.

**واژگان کلیدی:** شناسایی، اجرا، احکام خارجی، رویه قضایی، نظم عمومی، اخلاق حسنه

نحوه استناددهی: زنگی، سهیل، الماسی، نجادعلی، و مهرپورمحمدآبادی، حسین. (۱۴۰۴). شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران با نگاهی به رویه قضایی، پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۱)، ۳۰۱-۲۸۶.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۰ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ دی ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۵ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



در حقوق بین‌الملل خصوصی، شناسایی و اجرای احکام خارجی از جایگاه و اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. در این عصر که عصر ارتباط و گفت‌وگوی تمدن‌ها و انفجار اطلاعات نام گرفته است، مهاجرت و تجارت مفهوم تازه‌ای پیدا کرده و وسایل ارتباط جمعی به طور وسیعی ارتباط کشورها را آسان‌تر و امکان‌پذیرتر نموده، حقوق بین‌الملل خصوصی نیز دچار تحول و توسعه روزافزون گردیده و با تصویب کنوانسیون‌های مختلف، روزبه‌روز کشورها اختیار عمل کمتر و محدودتری خواهند داشت و در واقع جهان به سوی نظام وحدت حقوقی پیش می‌رود. به حقوق مکتسبه افراد توجه شده و راه برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل خصوصی باز و هموار گردد. بسط و توسعه روزافزون روابط بین‌المللی ضرورت شناسایی و اجرای احکام صادره از محاکم خارجی را بیش از پیش آشکار گردانیده و آن را به صورت یکی از مسائل مهم حقوق بین‌المللی خصوصی در آورده است. از آنجا که طبق اصل حاکمیت کشورها، قوه اجرائی یک حکم محدود به قلمرو دولت متبوع دادگاه صادرکننده حکم است، باید درد اگر محکوم‌علیه اموال کافی برای اجرای حکم در کشور مقرر دادگاه نداشته باشد، ولی دارای اموالی در کشورهای دیگر باشد، آیا امکان اجرای آن حکم، در کشور محل وقوع اموال، وجود دارد یا نه؟ لزوم توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل خصوصی ایجاب می‌کند که محکوم‌له یک حکم خارجی بتواند از مقامات صلاحیت‌دار کشور محل وقوع اموال، تقاضای اجرای حکم را بنماید؛ چه اگر چنین امکانی در اختیار او نباشد، چه بسا زحمت طی نمودن تشریفات طولانی دادرسی در کشور مقرر دادگاه بی‌نتیجه خواهد ماند (Almasi, 1990).

مسئله شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق بین‌الملل خصوصی از دو دیدگاه متفاوت قابل طرح است: یکی از لحاظ شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های ایران در کشورهای خارجی و دیگری از لحاظ شناسایی و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های خارجی در ایران. مسئله نخست که متضمن آگاهی از نحوه شناسایی و اجرای احکام ایرانی در خارجه است بیشتر در چهارچوب حقوق بین‌الملل خصوصی کشورهای خارجی مطرح می‌شود. ولی مسئله دوم که اصولاً جدای از موازین حقوق بین‌الملل خصوصی کشورهای دیگر می‌باشد، در چهارچوب حقوق بین‌المللی خصوصی ایران مطرح می‌گردد (Almasi, 1990).

مطلب دیگری که در باید مورد توجه واقع شود این است که حکم صادره از دادگاه خارجی نمی‌تواند در ایران مانند حکم صادره از دادگاه ایرانی واجد قوه اجرائی باشد، زیرا احکام صادره از دادگاه‌های یک کشور به نام حاکمیت آن کشور صادر می‌شود و مطابق اصول و موازین حقوق بین‌الملل عمومی حق حاکمیت هر دولت محدود به قلمرو سیاسی آن دولت است و هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمرو خود اعمال حاکمیت نماید و لذا حکم خارجی در ایران که خارج از قلمرو سیاسی کشور مقرر دادگاه است فاقد قوه اجرائی است. برای اینکه احکام صادره از دادگاه‌های خارجی را بتوان در ایران اجرا کرد باید مقامات قضائی ایران به آن احکام قوه اجرائی اعطا کنند.

با توجه به پیشرفت‌های علمی در عرصه‌های مختلف از جمله ارتباطات و اطلاعات، مناسبات اتباع دولت‌ها با یکدیگر گسترش یافته و به دنبال گسترش ارتباطات، انتظار افزایش آراء مربوط به اتباع ایرانی در محاکم خارجی بدیهی خواهد بود. در پاسخ به این تحول، نیاز به بررسی در خصوص وضعیت موجود قوانین جاری کشور مرتبط با نحوه شناسایی آراء خارجی و همچنین الگوی برخورد با آراء خارجی در محاکم ایران ضروری خواهد بود. نظام قضایی ایران نیز به‌منظور ایجاد بسترهای لازم برای توسعه و پیشرفت روابط بین‌الملل خصوصی که پیش‌نیاز اصلی توسعه همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد، باید از ابزار پژوهش کمک گرفته و در این مسیر، موانع موجود را شناسایی و برطرف نماید. ادامه شرایط موجود دادگاه‌ها در شناسایی و اجرای احکام خارجی، یقیناً جاده رشد کشور را مساعد برای پیشرفت همه‌جانبه

نخواهد کرد. رویه قضایی شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران، برای جامعه حقوقدانان ایران و خارج چندان شناخته شده نیست. هر دادگاه بنابر استنباط خود از قانون می‌تواند رویه متفاوت از دادگاه دیگر در پیش گیرد و از آن دفاع کند. رویه قضایی در این خصوص نادر است و هنوز جایگاه خود را در مقایسه با سایر امور پیدا نکرده است. این امر شاید به دلیل کمبود درخواست اجرای احکام خارجی در ایران باشد. بدون شک اگر رویه قضایی و قانون اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران تحلیل و شناسانده شود، موجب اطمینان و اعتماد نظام‌های قضایی کشورهای خارجی به نظام قضایی ایران می‌شود.

### ۱. نظام حقوقی ایران در زمینه شناسایی و اجرای احکام خارجی

به‌عنوان سیر تاریخی نظام حقوقی ایران در خصوص شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی بایستی گفت که نظام حقوقی ایران تا سال ۱۹۲۸ روش رد مطلق را در مقابل شناسایی و اجرای احکام خارجی اجرا می‌کرد و هیچ حکم خارجی را قابل شناسایی و اجرا نمی‌دانست که علت این امر مخالفت با رژیم کاپیتولاسیون بود که با لغو این رژیم و تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ و وضع ماده ۹۷۲ که مبین این امر است که احکام صادرشده از محاکم قضایی را نمی‌توان اجرا کرد مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن صادرشده باشد. این ماده در حقیقت احکام مدنی را مورد شناسایی قرار می‌دهد ولی لازم‌الاجرا بودن آن‌ها را موقوف به صدور امر اجرا می‌داند و در بعد در جلد دوم با توجه به قانون مدنی ماده ۱۲۹۵، اسناد خارجی که احکام خارجی نیز مصدق از این اسناد خارجی بود را معتبر می‌دانست در صورتی که شرایط مقرر در این ماده را می‌داشت (Naderi Farsani & Kabiri Dehkardi, 2024) اما این‌ها مقررات منسجمی نبودند و راهکار مناسبی برای اجرای احکام خارجی که ارتباط مستقیم با حاکمیت ملی دارد را به ما ارائه نمی‌دادند. به همین خاطر در سال ۱۳۵۶ قانون اجرای احکام مدنی تصویب شد که با اختصاص دادن مواد (۱۶۹-۱۷۹) حدود، ضوابط شرایط اجرای احکام خارجی را مشخص کرد. ماده ۱۶۹ مقرر می‌دارد: احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل‌اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد: (۱) حکم از کشوری صادرشده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل‌اجراء باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید. (۲) مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد. (۳) اجرای حکم مخالف با عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد. (۴) حکم در کشوری که صادرشده قطعی و لازم‌الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد. (۵) از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد. (۶) رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد. (۷) حکم راجع به اموال غیرمنقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد. (۸) دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادرشده باشد (Mahmoudi & Ebrahimi, 2019).

با توجه به این ماده و ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی و ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی به نظر می‌رسد که ایران برای شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی را مبنای رفتار متقابل را برگزیده و این احکام را در صورتی قابل‌شناسایی و اجرا می‌داند که حکم از کشوری صادرشده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادره از دادگاه‌های ایران در آن‌که شور قابل‌اجرا باشد و در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید. همچنین باید گفت نظام حقوقی ایران با در نظر گرفتن شرایط مخصوص جهت اجرای حکم دادگاه خارجی پیرو نظام کنترل محدود می‌باشد به همین خاطر با تعیین چارچوب و ضوابط مخصوص شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی را قبول کرده است.

## ۲. شناسایی و اجرای احکام خارجی در زمینه نکاح

### ۲-۱. اعتبار نکاح واقع شده در خارج از کشور

قاضی باید در حقوق بین‌الملل خصوصی به مفهوم ازدواج با دید وسیع‌تری نسبت به حقوق داخلی نگاه کند زیرا در سایر نظام‌های حقوقی جز ایران و برخی که شورهای اسلامی علاوه بر ازدواج دائم شکل دیگری از ازدواج تحت ازدواج مدرن که شامل ازدواج همجنسگرایان و قرارداد مشارکتی زن و مرد می‌شود مطرح و معتبر است که شناسایی آن‌ها تا جایی که با نظم عمومی کشور در تعارض نباشد لازم است. آنچه در اینجا حائز اهمیت است، اعتبار نکاح واقع شده در یک کشور در محاکم ایران می‌باشد و این مسئله عموماً زمانی مطرح می‌شود که زوجین یا یکی از آن‌ها تقاضای ثبتان نکاح و یا اجرای یکی از آثار آن از جمله پرداخت مهریه نفقه و... را دارد و ضروری است که دادگاه قبل از ورود به آن موضوع ابتدا منشاء آن حق مطالبه شده که همان نکاح واقع شده است را شناسایی نماید. همان‌طور که می‌دانیم نکاح از مهم‌ترین مصادیق احوال شخصیه می‌باشد و برای رعایت احوال شخصیه هر شخص باید دید قانون حاکم بر آن کدام است ( [Ghadami & Pour](#) [Mohammad, 2015](#)). در ایران که از جمله کشورهای تابع نظام حقوقی نوشته می‌باشد مطابق ماده ۶ قانون مدنی احوال شخصیه اشخاص تابع قانون متبوع آن‌ها می‌باشد و در مقابل کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا، قانون محل اقامت را حاکم می‌داند. عقد نکاح مانند سایر عقود متشکل از شرایط شکلی و ماهوی خاص خود می‌باشد و قاضی دادگاه محل اجرای حکم برای تشخیص مصادیق شکلی و ماهوی عقد نکاح به قانون ملی خود یعنی قانون مقر دادگاه مراجعه می‌نماید و پس از آن وارد مرحله تعیین قانون حاکم بر هر دسته از شرایط و سنجش این امر که شرایط شکلی و ماهوی بر اساس قانون صالح رعایت گردیده یا خیر می‌شود. در اینجا قاضی با توجه به قواعد حل تعارض کشور خود، قانون صالح را پیدا کرده و اعمال یا عدم اعمال آن را می‌سنجد. بنابر اصل کلی قابل پذیرش در تمام نظام‌های حقوقی، قانون حاکم بر شرایط شکلی نکاح محل تنظیم سند ازدواج یا محل انعقاد عقد است. این اصل در ماده ۹۶۹ قانون مدنی صراحتاً ذکر گردیده است. اما در خصوص شرایط ماهوی ماده ۹۷۱ بیان می‌دارد دعاوی از حیث اصول محاکمات و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی است که در آنجا اقامه می‌شود ( [Talebi Amanieh, 2014](#)).

بنابراین در خصوص احکام حوزه نکاح که در محاکم ایران جهت شناسایی و اجرا مطرح می‌شوند، قانون حاکم بر شرایط ماهوی نکاح قانون ایران است که در ماده ۶ و ۷ قانون مدنی اشعار می‌دارد قانون صالح بر احوال شخصیه (از جمله نکاح)، قانون متبوع (ملی) اشخاص است. اعمال این قاعده در زمانی که زن و مرد هر دو متبوع یک کشور هستند با مشکل خاصی روبرو نمی‌شوند، بلکه اختلاف‌زمانی حاصل می‌شود که زن و مرد هر یک تبعه یک کشور متفاوت باشند که در این حالت در قوانین ایران نص خاصی وجود ندارد و همچنین از ملاک ماده ۹۶۳ نیز نمی‌توان استفاده نمود چرا که این ماده که در خصوص روابط مالی زوجین مقرر شده به جهت استفاده از لفظ "زوجین" اشاره به ملاک بودن قانون متبوع زوج پس از شکل‌گیری رابطه زوجیت می‌نماید و در خصوص آثار نکاح است نه خود نکاح؛ پس قاضی ناچاراً و با هدف رعایت عدالت و اجرای دستور قانون در چنین مواردی قانون ملی هر دو طرف را اعمال می‌کند. به عنوان مثال اگر زوجه ایرانی و زوج انگلیسی باشد و زوجه در محاکم ایران اقدام به طرح درخواست مطالبه مهریه نماید، قاضی ابتدائاً و با رعایت قواعد حل تعارض در جهت تعیین صحت نکاح واقع شده به قانون متبوع اشخاص می‌پردازد ( [Izanlou & Jabbari Zadeh, 2019](#)). قانون انگلیس، قانون اقامتگاه را

صالح می‌داند و قانون ایران قانون دولت متبوع را؛ لذا قاضی به جهت عدم رعایت قوانین متبوع زن در نکاح و تنها رعایت قوانین اقامتگاه مرد چنین نکاحی را اصلاً صحیح ندانسته و در نتیجه آثار آن را تیز قابل مطالبه نمی‌داند.

## ۲-۲. موانع شناسایی و اجرای نکاح واقع شده

در برخی موارد با ازدواج‌های خارجی مواجه می‌شویم که با وجود رعایت شرایط شکلی و ماهوی و انطباق کامل با قوانین، صالحه امکان شناسایی آن‌ها در ایران وجود ندارد زیرا قاضی ایرانی علاوه بر رعایت مفاد ماده ۹۶۹ قانون مدنی، ماده ۱۲۹۵ را نیز باید مدنظر قرار دهد و اعتبار بخشی به نکاح واقع شده را با لحاظ شرایط این ماده صورت دهد. یکی از شروط مذکور در این ماده عدم مخالفت نکاح واقع شده با نظم عمومی یا اخلاق حسنه می‌باشد؛ به‌عنوان مثال نکاح با محارم را در نظر می‌گیریم که در برخی کشورها با رعایت شرایط شکلی و ماهوی مدنظر قانون آن کشور صورت می‌پذیرد اما در ایران بدلیل مخالفت با نظم عمومی کشور امکان شناسایی و اجرای آن در محاکم نمی‌باشد. قانون حاکم بر روابط شخصی و مالی زوجین (آثار نکاح) همانند قانون حاکم بر احوال شخصیه است. البته بعضاً مواردی می‌باشد که کشورها آن را تابع قوانین احوال شخصیه نمی‌دانند از جمله کشور فرانسه که دعوی ارث را تابع قانون محل وقوع مال می‌داند. در نظام حقوقی ایران قاضی بعد از توصیف و فضایی با توجه به قواعد حل تعارض اگر زوجین تابعیت یکسان داشته باشند قانون ملی آن‌ها را اعمال می‌کند و اگر دارای تابعیت متفاوت باشند از قاعده ترجیحی ماده ۹۶۳ قانون مدنی بهره‌جسته و قانون متبوع شوهر را ترجیح می‌دهد. علت مرجح بودن قانون متبوع شوهر، ریاست وی بر خانواده است (Sanaiyan & Ghamami, 2023). همچنین در خصوص ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، براساس قانون اساسی و ماده واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه از حیث روابط مالی و شخصی تابع قواعد متداوله و مسلمه دین و مذهب شوهر هستند.

## ۳. شناسایی و اجرای احکام خارجی در زمینه طلاق

شایع‌ترین راه انحلال نکاح در همه دنیا طلاق می‌باشد. برای اجرای احکام ناشی از طلاق، شناخت انواع آن و شرایط حاکم بر آن و نهایتاً سنجش اعتبار طلاق واقع شده در کشور خارجی از محل اجرا ضروری است. دعوی طلاق هم مانند نکاح شامل دو دسته شرایط شکلی و ماهوی است که از نظر بررسی شرایط شکلی تمام کشورها متفقاً قانون محل تنظیم را معیار اعتبار سنجی می‌دانند هر چند که در تعیین مصادیق شرایط شکلی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. ایران از جمله کشورهایی است که قانون متبوع زوجین یا زوج را حسب مورد حاکم بر شرایط ماهوی می‌دانند و البته همانند سایر زمینه‌های حقوق خانواده صراحتاً قاعده حل تعارض راجع به قوانین حاکم بر انحلال نکاح به‌ویژه طلاق ارائه نداده است و از همان قاعده‌ای که برای آثار نکاح (روابط شخصی و مالی) زوجین به کار گرفته می‌شود در مورد انحلال نکاح نیز استفاده می‌شود.

## ۳-۱. اعتبار طلاق واقع شده در خارج از کشور

در حقوق ایران سه شرط ماهوی طلاق وجود دو شاهد عادل، اجرای صیغه طلاق و استماع صیغه توسط شهود می‌باشد و سایر شرایط جنبه شکلی دارند و تابع قانون محل تنظیم سند می‌باشد.

در گذر تاریخ و تغییرات حاصل شده در روند ثبت و اجرای طلاق‌های واقع شده در خارج از کشور، پس از ایراداتی که حقوق دانان به رویه قبلی وارد نمودند مبنی بر اینکه اولاً از آنجاکه ماموران کنسولی وظیفه‌ای بر سنجش مطابقت حکم طلاق صادره با ماده ۶ قانون مدنی ندارند و صرف عدم اعتراض به حکم برای ثبت طلاق کافی است راه برای شناسایی و اجرای احکام خارجی که امکان عدم مطابقت آن‌ها با مقررات

امري و لازم‌الاجرا وجود داشت باز بود و ثانياً ثبت مستقيم حکم خارجي توسط کنسولگري به صرف توافق طرفين بر خلاف استقلال و حاکميت کشور است و ضرورت دارد ابتدا سيستم قضايي کشور صحت و اعتبار حکم را بررسي و در پي آن حکم تفيزي صادر نمايد. نهايتاً در جهت رفع ايرادهای وارده، ماده ۱۵ قانون حمايت خانواده ۹۲ وارد کار شد و با جمع تمام بندهای ۸ گانه ماده ۱۶۹ قانون اجراء احکام مدني پس از صدور حکم تفيزي، حکم خارجي قابليت شناسايي و اجراء پيدا مي‌کند. بنا بر اين در صورت عدم رعايت مقررات ايران طلاق واقع شده در ايران پذيرفته نمي‌شود و زن همچنان در نکاح شوهر باقي مي‌ماند و ساير اثار نکاح بر آن‌ها بار مي‌شود.

### ۲-۳. حالات مختلف صدور رأی طلاق برای ایرانیان در محکمه خارجي

حالات مختلف صدور رأی طلاق برای ایرانیان در محکمه خارجي عبارتند از:

۱. قاضي دادگاه صادرکننده حکم قانون محل اقامت زوجين را حاکم بر احوال شخصيه بدانند؛ قاضي به دليل عدم رعايت احوال شخصيه ایرانیان مطابق مقررات قانوني و عدم مراجعه به محکمه قضايي صالحه حکم صادره را نمي‌تواند تفيزد و اجراء نمايد.

۲. قاضي دادگاه صادرکننده حکم قانون متبوع زوج را رعايت مي‌نمايد اما زوجين برای اجراء صيغه شرعي طلاق به مراکز اسلامي مراجعه نمي‌نمايند؛ قاضي با ملاحظه رعايت قانون متبوع زوج توسط دادگاه صادرکننده حکم مانعي برای تفيزد طلاق به منظور جاري شدن صيغه طلاق و ثبت آن ندارد.

۳. قاضي دادگاه صادرکننده حکم قانون متبوع زوج را رعايت مي‌کند و زوجين نیز جهت اجراء صيغه شرعي طلاق به مراکز اسلامي مراجعه نمودند اما در زمينه ثبت طلاق اقدامي ننموده‌اند؛

زوج يا زوجه دعوي تفيزد حکم طلاق را از محکمه ايراني تقاضا مي‌نمايد و قاضي ايراني پس از احراز صحت شرايط طلاق حکم را تفيزد و اجازه ثبت آن توسط يکي از دفتر خانه‌های رسمي طلاق صادر مي‌نمايد. اصولاً در اين حالت، طلاق‌های توافقي و طلاق‌های به درخواست زوج زودتر تفيزد و ثبت مي‌شوند اما زماني که طلاق به درخواست زوجه بوده، مدرک طلاق خارجي در حد يک مدرک و دليل نارضايتي از ادامه زندگي زناشويي است و در اين حالت تفيزد به سهولت صورت نمي‌گيرد.

### ۳. رويکرد رويه قضايي

#### ۱-۳. رويه قضايي مبني بر عدم تفيزد آراء خارجي

رأی شعبه ۲۵۶ دادگاه عمومي حقوقي تهران يکي از مواردی است که در رويه قضايي بر شناسايي و اجراء آراء خارجي دلالت دارد. در رأی مورد اشاره، دادگاه عمومي حقوقي بيان مي‌دارد که: «طلاقي که بر اساس قانون بيگانه صادر شده است، قابليت تفيزد و ترتيب اثر ندارد؛ بنا بر اين متقاضی طلاق بايد برای طلاق بر اساس قانون ايران، به دادگاه ايران مراجعه کند». متن رأی دادگاه بدوي بدین شرح است: «در خصوص دادخواست خانم ت. د. با وکالت آقای الف. ز. بطرفيت آقای ن. س. فر. ز. ش. الف. به خواسته تفيزد طلاق منعقد در کشور هلند و اجراء ضميمه طلاق و ثبت آن موضوع حکم صادره به تاريخ ۱۷ ژوئن ۲۰۰۹ صادره از دادگاه الهه کشور هلند، دادگاه از توجه به محتويات پرونده و نظر به اينکه طلاق از احوال شخصيه افراد بوده مطابق ماده ۶ قانون مدني در احوال شخصيه اتباع ايران تابع قانون ايران هستند؛ هر چند در ايران مقیم نباشند که بر اين مبنا دادگاه ايران نمي‌تواند به طلاق که بر اساس قانون بيگانه صادر شده است ترتيب اثر بدهد و آن را تفيزد نمايد و در اين فرض خواهان صرفاً مي‌تواند برای طلاق به دادگاه ايران مراجعه کند و بر اساس قانون ايران اقدام نمايد. علهذا دادگاه بنا به مراتب

فوق و مستنداً به مواد ۱۲۵۷ قانون مدنی و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری بوده و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل پژوهش در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد» (Mousavi, 2024). دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز حکم دادگاه بدوی را تأیید می‌نماید و بیان می‌دارد: «تجدیدنظرخواهی خانم ت. د. فر ز. س. با وکالت آقای الف. ز. بطرفیت آقای ن. س. نسبت به رأی موضوع دادنامه شماره ۱۶۳۹ مورخ ۱۲/۰۸/۱۳۹۴ صادره از شعبه ۲۵۶ دادگاه عمومی حقوقی تهران که بر رد درخواست تنفیذ طلاق تجدیدنظرخواه اشعار دارد وارد نیست زیرا رأی تجدیدنظرخواسته موافق موازین قانونی و با رعایت اصول و قواعد دادرسی صادر گردیده و ایراد اساسی متوجه آن نمی‌باشد تجدیدنظرخواه نیز در این مرحله مطلب قابل توجهی عنوان نکرده لذا به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی رأی تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور است».

در رأی شعبه ۲۷۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران، این‌گونه اشاره به عدم قابلیت تنفیذ حکم طلاق صادره از محاکم آمریکا شده که: «در مواردی که زوجین بر اساس قانون و قواعد شرعیه قانون جمهوری اسلامی ایران به عقد نکاح یکدیگر درآمده‌اند؛ حکم طلاق صادره در کشور خارجی (آمریکا) بر اساس اصول و قواعد حاکم در آن کشور که با قوانین و احوال شخصیه قانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت ندارد قابل تنفیذ نبوده و دعوی تنفیذ آن محکوم به بطلان است». متن رأی دادگاه بدوی به این شرح است: «درخصوص دعوی خانم ر. خواجه‌ئی سیرجانی با وکالت آقایم. الف. بطرفیت آقای س. الف. ط. بخواسته تنفیذ طلاق صادره از دادگاه ایالات متحده آمریکا و ثبت واقعه طلاق با توجه به شرح دادخواست تقدیمی بدین شرح که وکیل خواهان اعلام نموده است زوجه به موجب سند نکاحیه شماره ۲۱۷۲ در مورخه ۳۱ / ۱ / ۸۵ به عقد دائم (خوانده) زوج در آمده است و بعد از ازدواج محل زندگی مشترک کشور آمریکا بود که بعد از مدتی به علت عدم تفاهم جدا از یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند که این جدائی موجب شده که دادخواست طلاق توافقی به دادگاه محل اقامت خود در ایالت ویرجینیا آمریکا تقدیم نمایند و دادگاه مربوطه بر اساس قانون خود رسیدگی و اقدام به صدور حکم قطعی به شرح دادنامه پیوست نموده است علینذا با عنایت به اینکه وقوع عقد ازدواج در کشور جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته و طبعاً واقعه طلاق نیز در ایران مستلزم تائید و تنفیذ است لذا تقاضای صدور حکم به شرح خواسته را نموده است. دادگاه با امعان نظر به اینکه زوجین بر اساس قانون و قواعد شرعیه قانون جمهوری اسلامی ایران به عقد نکاح یکدیگر درآمده‌اند و قطعاً زوجین نیز می‌بایست بر اساس قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران و قانون حمایت خانواده در محاکم جمهوری اسلامی ایران مبادرت به طرح دعوی طلاق نمایند زیرا اساساً صدور حکم طلاق بر اساس اصول و قواعد حاکم در ایالت مشروحه محل صدور حکم طلاق در آمریکا با قوانین و احوال شخصیه قانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت نداشته. لذا دادگاه دعوی فوق را مبنی بر تنفیذ طلاق فوق وارد ندانسته و مستنداً به مواد ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب حکم به بطلان دعوی صادر و اعلام می‌نماید رأی صادره ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض است».

دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز این‌گونه به تأیید حکم فوق‌الذکر پرداخته است: «در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم ر. خواجه‌ئی سیرجانی با وکالت آقایم. الف. به طرفیت آقای س. الف. ط. از دادنامه شماره ۹۴۰۱۳۶۱-۱۸/۹/۹۴ صادره از شعبه محترم ۲۷۳ دادگاه خانواده تهران که به موجب آن حکم به بطلان دعوی خواهان بدوی تجدیدنظر خواه در مورد صدور حکم به تنفیذ طلاق صادره از دادگاه ایالات متحده آمریکا و ثبت واقعه طلاق به شرح توضیحات داده شده در دادنامه موصوف صادر گردیده است وارد نمی‌باشد زیرا رأی بر اساس مقررات و موازین قانونی صادر شده و ایرادی از حیث ماهوی یا شکلی به آن وارد نیست و استدلال محکمه محترم بدوی و نیز مستندات آن صحیح می‌باشد و



تجدیدنظرخواه دلیلی که موجبات نقض و یا بی اعتباری دادنامه را فراهم نماید ارائه ننموده. لذا بنا به مراتب دادگاه مستنداً به قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۷۹/۱/۲۱ ضمن رد اعتراض معترض دادنامه معترض عنه را نتیجتاً تأیید می نماید.»

دیوان اظهار می دارد: «حسب مندرجات پرونده شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی جهرم طی رأی شماره ۱۳۹۱/۱/۳۰-۰۰۰۹۰ استدلال می کند حکم طلاق در کشور کویت صادر و در همان کشور اجرا گردیده و دارای شماره ۲۱-۲/۴/۱۴۲۴ هجری قمری مصادف با ۱۳۸۲/۲/۱۷ خورشیدی به ثبت رسیده است و منظور خواهان از تنفیذ حکم تأیید حکم خارجی جهت اجرای آن در ایران طبق ماده ۱۶۹ به بعد از قانون اجرای (حکم مدنی) بوده است و بررسی صحت و سقم رسیدگی دادگاه کویت و اعلام قطعیت حکم که مربوط به آیین دادرسی و یک موضوع شکلی حقوق داخلی آن کشور است و منظور خواهان نیست و چون طلاق خواهان پس از صدور حکم در همان کشور کویت اجرا شده و به ثبت رسیده است این ثبت طلاق حسب ذیل ماده ۳۱ قانون ثبت احوال باید به وسیله کنسولگری مربوطه طبق نمونه مخصوص به سازمان ثبت احوال ایران فرستاده شود بنابراین دعوای خواهان سالبه به انتفاء موضوع است که رأی مذکور طی رأی شماره ۱۲۸۹-۱۲/۱۶/۱۳۹۱ شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان فارس با این توضیح «موجبات درخواست طلاق از سوی زوجه به لحاظ عدم پرداخت نفقه و تبعید زوج از کشور و اینکه زوجه بر اساس قانون تکلیف دارد در محل سکونت شوهرش زندگی نموده و از وی تمکین نماید» دادنامه تجدیدنظر خواسته مستنداً به ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ تأیید و استوار می نماید. بنا به مراتب مذکور و تأیید رأی دادگاه نخستین در دادگاه تجدیدنظر استان یادشده با توجه به نحوه استدلال مندرج در آنکه به طور مستوفی در گزارش این شعبه آمده مستنداً به ماده ۴۰۳ قانون آیین دادرسی مزبور رأی صادره را قرار تلقی و آن را ابرام می نماید.»

وفق رأی دیوان عالی کشور، حکم طلاق صادرشده در دادگاه خارجی نیاز به تنفیذ از سوی محاکم ایران ندارد و کافی است که اجرای مفاد حکم طبق ماده ۱۶۹ و بعد قانون آیین دادرسی مدنی از دادگاه ایرانی درخواست شود و اگر حکم در کشور خارجی اجرا شده باشد، اجرای دوباره آن در ایران متفی است و صرفاً باید رونوشت سند طلاق طبق ماده ۳۱ قانون ثبت احوال از سوی کنسولگری مربوطه به سازمان ثبت احوال ارسال گردد.

### ۲-۳. آراء مربوط به شرایط تنفیذ طلاق صادره از محاکم خارجی

در رأی شعبه ۲۳۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران، دادگاه عمومی حقوقی بیان می دارد: «صرف صدور رأی طلاق در دادگاه خارجی، موجب تنفیذ طلاق نخواهد بود بلکه تنفیذ منوط به اجرای صیغه طلاق و احراز رعایت مسائل شرعی آن است.» شعبه ۲۳۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران در رأی خود این گونه بیان می دارد که: «در خصوص دادخواست خانم فریما طباطبائی مزد آبادی فرزند ح. با وکالت آقای علی ش. به طرفیت آقای س. م. الف. فرزند س. الف. بخواسته تنفیذ طلاق و ثبت و اجرای طلاق با عنایت به جامع محتویات پرونده با توجه به رأی طلاق صادره در دادگاه بخش مونیخ المان که تصویر مصدق ترجمه آن پیوست پرونده می باشد و اظهار اینکه به صرف دادنامه زوجین از هم جدا شده اند و صیغه طلاقی جاری نشده و با عنایت به اینکه شرایط صحت طلاق محرز نمی باشد و صرف صدور رأی طلاق بدون رعایت مسائل شرعی اجرای صیغه طلاق و بدون اجرای صیغه طلاق تنفیذ دارای وجاهت قانونی و شرعی نمی باشد با این وصف دادگاه خواسته خواهان را مردود تشخیص و مستنداً به ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام می نماید رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض می باشد» (Ansari, 2016).

دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز رأی فوق الاشعار را تأیید نموده و بیان داشته است که: «تجدیدنظرخواهی ف. ه طباطبایی مزد آبادی با وکالت بطرفیت س. م. الف. فرزند س. الف. با وکالتش. س. ل. نسبت به دادنامه شماره ۱۹۲۲ مورخ ۲۴/۱۱/۱۳۹۴ شعبه ۲۳۰ دادگاه عمومی تهران در پرونده کلاسه ۰۱۰۹۱ مبنی بر صدور حکم به بطلان دعوی تنفیذ طلاق وارد نمی‌باشد زیرا با توجه به محتویات پرونده و امعان نظر در اوراق و مندرجات آن مفاد لایحه تجدیدنظرخواهی و لویح دفاعیه طرفین مدلول دادنامه تجدیدنظر خواسته رأی صادر شده دادگاه بدوی بر اساس مستندات موجود در پرونده صادر گردیده است و با عنایت به اینکه تجدیدنظرخواه ایراد و اعتراض موجهی که موجبات نقض دادنامه اعتراض شده را فراهم آورد ابراز ننموده است. لذا این دادگاه با عنایت به مراتب مذکور ضمن رد دادخواست تجدیدنظرخواهی رأی صادر شده دادگاه بدوی را با استناد به مواد ۳۵۸ و ۳۶۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی تأیید می‌نماید این رأی قطعی است.»

شرایط اجرای حکم خارجی در موضوع طلاق از نگاه قاضی محترم پرونده، رعایت قانون و مقررات حقوقی و شرعی جمهوری اسلامی ایران، رعایت تشریفات قانونی طلاق، رعایت شرط معامله و رعایت شرط احترام متقابل می‌باشد. قاضی محترم دادگاه بدوی این گونه بیان داشته است که: «در خصوص دادخواست آقای الف. ع. ر. با وکالت آقایم. الف. به طرفیت خانم پ. الف. به خواسته تنفیذ طلاق صادره از دادگاه کانادا را تقدیم دادگاه داشته است که این دادگاه با توجه به مراتب و این که حکم صادره طلاق به لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات حقوقی و شرعی جمهوری اسلامی ایران، تشریفات قانونی پرونده‌های طلاق و عدم رعایت شرط معامله و احترام متقابل به احکام صادره از ایران با هیچ یک از شقوق موجود در خصوص ماده ۱۶۹ از قانون اجرای احکام مدنی نیز تطبیق ندارد و مستند به مفهوم حاصله از بند دوم ماده ۱۲۹۵ از قانون مدنی و ۱۲۵۷ از قانون موصوف حکم به رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره ظرف مهلت دو ماه قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد» (Asgarpour, 2017).

دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز رأی فوق‌الذکر را تأیید نموده و بیان داشته است که: «تجدیدنظرخواهی آقای الف. ع. ر. با وکالت آقایم. الف. بطرفیت خانم پ. الف. نسبت به رأی موضوع دادنامه شماره ۶۳۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۴ صادره از شعبه ۲۷۰ دادگاه عمومی خانواده که بر صدور حکم رد دعوی تجدیدنظرخواه بخواسته تنفیذ طلاق اصلاح و نسبت به سائر موارد و محتویات پرونده بر صحت دادنامه تجدیدنظر خواسته اشعار دارد وارد نیست زیرا رأی تجدیدنظر خواسته موافق موازین قانونی و با رعایت اصول و قواعد دادرسی صادر گردیده و ایراد اساسی متوجه آن نمی‌باشد تجدیدنظرخواه نیز در این مرحله مطلب قابل توجهی عنوان نکرده لذا به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی رأی تجدیدنظر خواسته تأیید می‌گردد این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور است.

مستفاد از رأی شعبه ۲۶۱ دادگاه عمومی حقوقی تهران این است که: «در صورتی که رأی دادگاه خارجی دایر بر طلاق در خصوص اتباع ایرانی موافق قوانین ایران صادر نشده باشد، در دادگاه‌های ایران قابل تنفیذ نیست.» رأی دادگاه بدوی به این شرح است: «در خصوص دادخواست آقای ب. ع. با وکالت خانم ف. ع. به طرفیت خانم ف. ب. و الف. پنجم اجاری اسناد رسمی به خواسته تنفیذ طلاق و ابطال اجرائیه. با عنایت به دادخواست تقدیمی و مدارک و مستندات ابرازی خواهان و با توجه به اظهارات وکیل خواهان در جلسه دادرسی و لایحه تقدیمی از طرف خواننده ردیف دوم و اینکه خواننده ردیف اول در جلسه دادرسی حضور نیافته و در قبال دعوی مطروحه دفاعی از خود به عمل نیاورده است، نظر به اینکه وفق ماده ۹۶۳ قانون مدنی اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آن‌ها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. حال با توجه به اینکه زوجین هر دو ایرانی هستند به طریق اولی روابط بین آن‌ها می‌بایست وفق قوانین دولت متبوع یعنی ایران در دادگاه رسیدگی شود؛ درحالی که رأیی که از طرف دادگاه عالی کالیفرنیا واقع در کشور آمریکا صادر شده، وفق قوانین داخلی آمریکا اصدار

یافته، پس قابلیت تنفیذ ندارد، زیرا وفق قوانین ایران رسیدگی نشده است. علی‌هذا نظر به مراتب مذکوره با توجه به عدم قابلیت تنفیذ رأی صادره از دادگاه عالی کالیفرنیا موجبی نیز جهت ابطال اجراییه نشده است؛ فلذا دادگاه با غیرثابت تشخیص دادن دعوی خواهان، حکم به رد دعوی آقای ب. ع. صادر می‌نماید. این رأی حضوری بوده ظرف بیست روز قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر مرکز استان تهران می‌باشد (Sanaiyan, 2022).

دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز این رأی را تأیید نموده و بیان داشته است: «درخصوص دادخواست تجدیدنظر خواهی ب. ع. با وکالت خانم ف. ع. نسبت به دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۱۶۱۰۰۲۱۰-۹۰/۲/۲۵ صادره از شعبه ۲۶۱ دادگاه خانواده تهران در پرونده شماره بایگانی ۸۹۱۲۸۵ موضوع حکم به رد دعوی تنفیذ طلاق صادره از دادگاه کالیفرنیا و ابطال اجراییه. با توجه به بررسی و مذاقه در جمیع اوراق پرونده نظر به اینکه تجدیدنظرخواه اعتراض موجه و مدلل و مؤثری که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته را ایجاد نماید به عمل نیاورده است و نیز رأی بدوی با رعایت اصول و قواعد دادرسی صادر گردیده است، بناء علی‌هذا دادگاه ضمن رد اعتراض تجدیدنظرخواه مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته را عیناً تأیید و ابرام می‌نماید. رأی صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است».

مطابق رأی شعبه ۲۷۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران، اگر صیغه طلاق با رعایت تشریفات قانون ایران و شرع و توسط اشخاص صلاحیت‌دار اجرا شده باشد، طلاق واقع شده در خارج از کشور، تنفیذ می‌شود؛ در غیر این صورت حکم به بطلان دعوی تنفیذ طلاق صادر می‌شود. متن رأی دادگاه بدوی بدین شرح است: «در خصوص دادخواست خانم پ. م. ب. با وکالت آقای ح. پ. به طرفیت آقای ر. ک. ج. بخواسته تنفیذ طلاق دادگاه با عنایت اظهارات وکیل خواهان و مستندات ابرازی و مدافعات خوانده نظر به اینکه طلاق واقع شده و اجرای صیغه آن در کشور کانادا مطابق با قوانین ایران صادر نگردیده است و صیغه طلاق به لحاظ تشریفات بودن آن مطابق قوانین ایران و مطابق شرع و توسط اشخاص صلاحیت‌دار اجرائی نگردیده است. لذا دادگاه دعوی را ثابت ندانسته و مستنداً به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر بطلان دعوی صادر و اعلام می‌دارد. حکم صادره ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است» (Jalali & Nourian, 2020).

دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز این رأی را تأیید نموده و بیان داشته که: «درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای ر. ک. ج. و نیز خانم پ. م. ب. با وکالت آقای ح. پ. بطرفیت همدیگر از دادنامه شماره ۹۴۰۱۰۳۵ مورخ ۹۴۷۱۸ شعبه محترم ۲۷۲ دادگاه خانواده ۲ تهران که به موجب آن حکم به بطلان دعوی تنفیذ طلاق صادر گردیده وارد نمی‌باشد زیرا رأی براساس مقررات و موازین قانونی صادر شده و ایرادی از حیث ماهوی یا شکلی به آن وارد نیست و استدلال محکمه محترم بدوی و نیز مستندات آن صحیح می‌باشد و تجدیدنظرخواه دلیل یا دلائلی که موجبات نقض و یا بی‌اعتباری دادنامه را فراهم نماید ارائه ننموده. لذا بنا به مراتب دادگاه مستنداً به قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ ضمن رد اعتراض دادنامه معترض‌عنه را عیناً تأیید می‌نماید. رأی دادگاه به موجب ماده ۳۶۸ قانون فوق‌الذکر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام خواهی در مرجع محترم دیوان عالی کشور می‌باشد». شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۵۹۲ مورخ ۱۳۹۳/۰۹/۲۴ بیان می‌دارد: «هرگاه متقاضی طلاق در دادگاه‌های خارج، زوج بوده و اجازه طلاق با تقاضای مشارالیه صادر شده باشد، حکم صادره با تقاضای زوجه قابل تنفیذ در دادگاه‌های صالح ایران نیست».

در رأی شعبه ۳ دادگاه حقوقی خانواده ورامین، شرایط دیگری برای تنفیذ احکام دادگاه‌های خارجی ذکر شده است و بیان داشته که: «برای تنفیذ طلاق اتباع خارجی که در خارج از کشور واقع شده است، باید نوع طلاق و کیفیت بذل مهریه یا قبول بذل و رعایت یا عدم رعایت تشریفات آمره طلاق مشخص باشد». متن رأی دادگاه بدوی به این شرح است: «در خصوص دادخواست خانم ک.ص. با وکالت خانم ک. به طرفیت آقای م. ص. هر دو تبعه افغانستان به خواسته تنفیذ طلاق صرف‌نظر از اینکه تاریخ عقد و نحوه وقوع عقد و میزان مهریه بین طرفین مشخص نیست در طلاق‌نامه عادی هم ایرادهای متعددی از جهت نوع طلاق و کیفیت بذل و یا قبول بذل مهریه و ارائه دلیل وجود دارد خواننده در دادگاه حاضر نشده که خصوصاً اصل قبول طلاق‌نامه عادی و قبول آن اظهارنظر نماید در مجموع دعوی خواهان را غیر وارد تشخیص و حکم به بطلان دعوی مطروحه صادر و اعلام می‌نماید رأی صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه می‌باشد».

دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز رأی فوق‌الذکر را تأیید نموده و بیان داشته که: «در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم ک.ص. با وکالت خانم ز.ک. به طرفیت آقای م. ص. از دادنامه شماره ۱۳۹۳/۶/۹۰۰۹۹۷۰۲۰۷۳۰۰۵۴۳ صادره از شعبه محترم ۳ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان ورامین در پرونده کلاسه ۹۳۰۹۹۸۰۲۰۷۳۰۰۲۴۶ مبنی بر صدور حکم به بطلان دعوی خواهان بدوی تجدیدنظرخواه در مورد تنفیذ طلاق‌نامه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۶ زوجین افغانی وارد نمی‌باشد؛ زیرا با توجه به محتویات پرونده و امعان نظر در اوراق و مندرجات آن مفاد لایحه وکیل تجدیدنظرخواه دادنامه مارالذکر وفق مقررات و موازین قانونی از جهت رسیدگی شکلی و ماهوی در دادگاه بدوی بر اساس مستندات موجود در پرونده صادر گردیده است و با عنایت به اینکه وکیل تجدیدنظرخواه ایراد و اعتراض موجهی که موجبات نقض دادنامه اعتراض شده را فراهم آورد ابراز ننموده است و با عنایت به اینکه آیا تشریفات آیین دادرسی در مورد طلاق زوجه فوق‌الاشعار در افغانستان رعایت شده است یا خیر برای این دادگاه احراز نگردیده است لذا این دادگاه بنا به مراتب مذکور ضمن رد دادخواست تجدیدنظرخواهی دادنامه صادرشده دادگاه بدوی مستنداً به قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۲۱/۱/۱۳۷۹ تأیید می‌نماید. رأی دادگاه به موجب مواد ۳۶۸-۳۹۷ از قانون فوق‌الذکر ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد».

### ۳-۳. تحلیل رویه قضایی

تنفیذ طلاق صادره در دادگاه‌های خارجی توسط محاکم ایران از آنجایی که آثار فراوانی دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است. در آرای مطروحه همان‌طور که مشاهده کردیم برخی از محاکم حکم به عدم تنفیذ طلاق‌هایی داده‌اند که از محاکم خارجی صادرشده‌اند. این در حالی است که مطلقاً نپذیرفتن تنفیذ این‌گونه طلاق‌ها مخالف صریح نص قانون است؛ طبق ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده: «هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیت‌دار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجراء نمی‌شود مگر آن که دادگاه صلاحیت‌دار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند». از این رو مکلف است ابتدا به احکام صادره از محاکم خارجی رسیدگی و اگر آن را مطابق موازین شرعی دانست آن را تنفیذ کند (Shokri, 2013).

طبق ماده ۶ قانون مدنی نیز: «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود». و همچنین ماده ۷ قانون مدنی «اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود». در

آراء صادره ذکر شده است که به دليل وقوع نکاح در ايران بايد طلاق نیز طبق قانون ايران جاري شود درحالي که طبق ماده ۶ قانون مدني احوال شخصيه کليه اتباع ايراني تابع قوانين ايران است و فرقي بين وقوع آن در ايران يا خارج از کشور نيست؛ پس در دعوي مربوط به احوال شخصيه تبعيت فرد مالک است. اما در رابطه با احکامی که به دليل عدم رعایت تشریفات قانونی ایران از سوی محاکم خارجي صادر شده است اولاً قانون مدوني برای ویژگی هایی که احکام طلاق صادره از محاکم خارجي بايد داشته باشند تا قابلیت تنفيذ داشته باشند وجود ندارد که اين قضات را مجبور می کند طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی برای بررسی این احکام به فقه مراجعه کنند. در آرایي که بیان کردیم مستندات فقهی در باب شرایط صحت طلاق نیامده و آنچه بیشتر ذکر شده عدم رعایت تشریفات شکلي طلاق است؛ حال آنکه هر کشوري آيين دادرسی منحصر به خود را دارد. آنچه در احوال شخصيه برای صدور رأی مهم است رعایت تشریفات ماهوي طلاق است. در فقه از جمله شرایط طلاق صیغه طلاق و حضور دو شاهد عادل است و تشریفاتى که در قانون حمايت از خانواده آمده است تشریفات شکلي طلاق است. اينکه از دادگاه های خارجي انتظار حکم طلاق به شیوه آيين دادرسی ايران داشته باشیم. حکمی مالایطاق و غیرعقلایی است و عدم پذیرش احکام خارجي به طور گسترده زوجین را متحمل هزینه ها و اطاله دادرسی می کند. فراتر از مباحث ذکر شده عدم تنفيذ بدون مستند و فراوان آراء طلاق صادره از دادگاه های خارجي علاوه بر ایجاد پرونده های فراوان و اطاله دادرسی آثار مخربی برای طرفین دعوي و جامعه در پی دارد به عنوان مثال طرفین دعوا ممکن است طبق طلاق صادره در کشورهای خارجي در همان جا اقدام به ازدواج جدید کنند در این حالت هم وضعیت طلاق و نکاح آن ها مشخص نيست و هم تکلیف فرزندان متولد از آن ها بسیار مخاطره آمیز خواهد شد که طبق قاعده لاضرر امری قبیح است؛ این موضوع حداقل در طلاق های توافقی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

### نتیجه گیری

با مطالعات و بررسی های انجام شده مشخص شد که جهت اجرای احکام خارجي ناگزیر به رعایت تمام شرایط ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدني هستیم اما در خصوص احکام مربوط به دعوي خانوداگی علاوه بر رعایت قواعد کلی حاکم بر شناسایی و اجرای این احکام با قواعد اختصاصی که ذیل مواد ۱۴ و ۱۵ قانون حمايت خانواده وضع گردیده مواجه می شویم. در واقع می توان گفت ماده ۱۶۹ قانون عام سابق و قانون حمايت خانواده بعنوان قانون خاص لاحق اجرای احکام مربوط به دعوي خانوداگی را تخصیص زده است. در راستای اعمال این مقررات با تفاوتی که ناشی از نوع تصمیم نهایی مرجع شناسایی احکام خارجي می باشد روبرو می شویم؛ از آنجاکه منطبق با ماده ۱۵ قانون حمايت خانواده " صدور حکم تنفيذی " جهت اجرای حکم خارجي مربوط به دعوي خانوداگی لازم می باشد، قاضی اجباراً ملزم به تشکیل جلسه رسیدگی و طی تمام فرایند رسیدگی ترافعی و ماهوي می باشد اما در خصوص احکام حقوقی دیگر پس از بررسی شکلي قواعد مربوطه به صرف صدور قرار قبول تقاضای اجرای حکم و دستور آن در وقت اداری و بصورت غیر ترافعی حکم خارجي در محاکم داخلی قابلیت اجرا پیدا می نماید. از پیامدهای رسیدگی ترافعی و ماهوي در زمینه احکام خانوداگی جهت شناسایی و اجرا، تشتت آراء و ایجاد رویه های متفاوت دادگاه ايران در زمینه تنفيذ یا رد این نوع احکام گردیده است. بطور کلی با مطالعه قواعد حل تعارض در حقوق ايران و بررسی آراء قضایی به این نتیجه دست می یابیم که اولاً مقررات ايران در زمینه شناسایی و اجرای احکام خانوداگی محدود و اندک است، ثانیاً در برخی موارد مانند فرزند خواندگی قانون گذار صراحتاً قانون حاکم بر موضوع را تعیین ننموده، لذا با توجه به گستردگی روزافزون روابط اجتماعی و انسانی در سطح بین المللی و لزوم حل اختلافات ناشی از این روابط، نیاز به تدوین و وضع مقررات به روزتر و همسو با مقررات بین المللی و ایجاد رویه ثابت و مشخص در این خصوص بیش از پیش احساس می شود. اساساً اجرای هر حکمی، با موانعی روبه رو می شود؛ جزایی بودن حکم، فاقد رفتار متقابل،

مخالفت حکم با عهد بین‌المللی و قوانین مخصوصه، قانونی و لازم‌الاجرا و معتبر نبودن حکم در کشور محل صدور، صدور حکم معارض از دادگاه ایران، اختصاص موضوع به دادگاه‌های ایران، ارتباط حکم با اموال غیرمنتقل واقع در ایران، عدم صدور اجراییه در کشور صادرکننده حکم و مغایرت مفاد حکم بانظم عمومی و اخلاق حسنه از موانع اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران محسوب می‌گردد.

حکم طلاق صادره از دادگاه خارجی، بایستی در محکمه داخلی ایران مورد شناسایی و تنفیذ قرار گیرد تا قابل اجرا باشد. جهت رسیدگی به این دعوی، علاوه بر رعایت قواعد کلی حاکم بر اجرای احکام خارجی، قواعد اختصاصی مربوط به دعاوی خانوادگی و بخصوص دعوی طلاق باید رعایت شود. لذا علاوه بر مواد ۱۱۶ تا ۱۳۶ قانون اجرای احکام مدنی، مواد ۱۱ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱ بر موضوع حاکم است. به‌طورکلی نمی‌توان موضوع تنفیذ احکام طلاق خارجی را به‌کلی رد کرد زیرا امروزه به دلیل گسترش روابط و تعاملات اجتماعی بین مردم و اتباع کشورها و میل روبه گسترش مهاجرت اتباع ایرانی به خارج از کشور، الزام به مراجعه به محاکم داخلی جهت انجام طلاق، امری غیرممکن و حداقل متعسر است و لازم است ضمن رعایت قواعد نظم عمومی و اخلاق حسنه و حدود و ثغور مشخص در قوانین و مقررات داخلی، به موضوع رسیدگی نمود.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The recognition and enforcement of foreign judgments have always been fundamental concerns in private international law. The increasing transnational interactions, migration, and globalization of commerce have made this issue even more significant in recent years. In the Iranian legal system, the recognition and enforcement of foreign judgments are subject to strict conditions, mainly governed by the principle of reciprocity, compliance with Iranian public order and morality, and non-contradiction with prior Iranian court decisions. The legal basis for recognizing and enforcing foreign judgments in Iran can be found in Articles 6 and 972 of the Iranian Civil Code, which stipulate that foreign judgments cannot be executed in Iran unless an Iranian court determines their compatibility with domestic legal principles. Despite the existence of these legal provisions, judicial practice in Iran has shown inconsistencies in interpreting and applying the relevant regulations, leading to confusion and varying judicial outcomes. In certain cases, Iranian courts have accepted foreign judgments as presumptive evidence rather than directly enforcing them, while in other cases, they have fully recognized them if they align with the principles of Iranian law. This study aims to analyze the judicial practice in Iran regarding the enforcement of foreign judgments, identifying the key legal principles that courts consider in their decision-making process (Almasi, 1990).

The research follows a descriptive-analytical approach, utilizing case law analysis and doctrinal legal research methods. Various judicial decisions have been examined to identify patterns in the Iranian courts' approach to recognizing and enforcing foreign judgments. The findings indicate that Iranian courts generally adopt a cautious stance when dealing with foreign judgments, emphasizing the need

for compliance with domestic legal principles. One of the primary factors influencing the recognition of foreign judgments is the principle of reciprocity, whereby an Iranian court assesses whether the foreign country in question also recognizes Iranian judgments. Additionally, judgments that contradict Iranian public order and good morals are strictly rejected. Public order in Iranian law is broadly interpreted, encompassing religious, ethical, and social principles that shape the legal framework. Another crucial aspect considered by Iranian courts is whether the subject matter of the foreign judgment falls within the exclusive jurisdiction of Iranian courts. For example, cases involving immovable property located in Iran are not eligible for recognition, as they fall under the exclusive jurisdiction of Iranian courts. Furthermore, courts have demonstrated varied approaches in family law cases, particularly in recognizing foreign divorce judgments, depending on whether the foreign judgment complies with the formal and substantive requirements of Islamic law (Naderi Farsani & Kabiri Dehkardi, 2024).

The analysis of Iranian court rulings reveals that inconsistencies exist in judicial practice regarding foreign judgments. In some cases, Iranian courts have fully recognized foreign divorce judgments, especially when the divorce was confirmed by an Islamic marriage registrar, aligning with the requirements of Islamic law. However, in other instances, courts have refused recognition, arguing that foreign divorce rulings do not satisfy the procedural and substantive conditions required under Iranian law. One notable example is a case where an Iranian family court, when reviewing a Danish court's divorce judgment, did not issue an enforcement order but instead treated the judgment as presumptive evidence for issuing its own ruling under Iranian law. In contrast, another case concerning a divorce judgment from California was fully recognized because the court found that the judgment sufficiently demonstrated the termination of the marital relationship and its compliance with Islamic procedures. These discrepancies highlight the need for greater judicial clarity and consistency in dealing with foreign judgments (Mahmoudi & Ebrahimi, 2019).

The findings indicate that foreign commercial and civil judgments face significant legal hurdles for enforcement in Iran. Iranian courts scrutinize whether foreign judgments comply with procedural fairness standards and the substantive provisions of Iranian law. One of the key challenges in enforcing foreign commercial judgments is the principle of mutual treatment, which requires an examination of whether Iranian judgments are also recognized in the foreign jurisdiction. Courts have shown greater reluctance to enforce foreign judgments from countries that do not reciprocate recognition for Iranian court rulings. Additionally, foreign judgments that conflict with an existing Iranian court decision are generally rejected. This legal principle is aimed at preventing contradictory rulings and maintaining judicial consistency within the Iranian legal framework. In some cases, Iranian courts have allowed the enforcement of foreign commercial arbitration awards, provided that they do not violate public order and meet the procedural requirements established under Iranian law (Sanaiyan & Ghamami, 2023).

In cases related to family law, Iranian courts exhibit a cautious yet flexible approach, especially regarding divorce and child custody rulings. The recognition of foreign divorces depends on whether the divorce was conducted in accordance with Islamic principles. If a foreign court issues a divorce that does not conform to Islamic law, Iranian courts tend to reject the enforcement request. However, if the foreign judgment is supplemented with additional evidence confirming compliance with Islamic procedures—such as the execution of the Islamic divorce formula—courts may recognize the judgment. Child custody cases follow a similar pattern, where Iranian courts assess whether the foreign custody ruling aligns with Islamic family law principles. In cases where a foreign judgment grants custody to a parent in a manner that contradicts Iranian legal standards, the Iranian courts

may modify or reject the ruling. These judicial inconsistencies emphasize the importance of legal reform to establish clear guidelines for handling foreign family law judgments in Iran (Jalali & Nourian, 2020).

In conclusion, the recognition and enforcement of foreign judgments in Iran remain a complex and evolving legal issue. The principle of reciprocity, compliance with Iranian public order, and non-contradiction with prior Iranian rulings serve as the key determinants for recognizing foreign judgments. However, inconsistencies in judicial practice highlight the need for a more uniform approach. A standardized legal framework with clear guidelines for recognizing foreign judgments could enhance legal certainty and facilitate international legal cooperation. Future legal reforms should focus on improving judicial training, establishing specialized courts for handling foreign judgment cases, and encouraging reciprocal agreements with foreign jurisdictions to ensure a more consistent and predictable enforcement mechanism for foreign judgments in Iran.

## References

- Almasi, N. A. (1990). Recognition and enforcement of foreign civil judgments in French, English, and American law. *Journal of the Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)*, 25(1161), 79-102.
- Ansari, Z. (2016). *Identification and enforcement of family-related judgments issued by foreign courts in the Iranian legal system* Tehran: Imam Sadiq University, Faculty of Law]. Master's thesis, supervised by Farideh Shokri
- Asgarpour, S. F. (2017). *Determining the competent court and recognizing and enforcing foreign judgments in spousal disputes according to Brussels II Regulation and comparative analysis with Iranian law* Gilan: University of Gilan, Faculty of Literature and Humanities]. Master's thesis, supervised by Ahmad Imanpour
- Ghadami, A., & Pour Mohammad, A. (2015). Examination and recognition of the enforcement of foreign judgments and arbitration awards in Iranian law. *Journal of International Law*, 13(17), 419-430.
- Izanlou, M., & Jabbari Zadeh, R. (2019). Reciprocal behavior as a condition for the enforcement of foreign judgments: A study in the private international law of Iran and the USA. *Journal of Legal Research*, 22(88), 85-108.
- Jalali, M., & Nourian, A. (2020). The process of adjudicating the recognition and enforcement of foreign divorce judgments in family courts. *Scientific Quarterly of Opinions*, 3(1), 31-62.
- Mahmoudi, Z., & Ebrahimi, N. (2019). Recognition and enforcement of foreign judgments. *Journal of Legal Path*, 11(21), 83-127.
- Mousavi, S. A. (2024). *Enforcement of civil judgments (Auction process - enforcement of foreign rulings and documents)* (Vol. 4th ed., Vol. 5). Tehran: Ganj Danesh Publications.
- Naderi Farsani, S., & Kabiri Dehkardi, A. (2024). Examining the factors for recognizing and enforcing foreign judgments in Iranian civil law. *Journal of Legal Studies*, 1(42), 191-209.
- Sanaiyan, A. A. (2022). Recognition and enforcement of divorce judgments issued by the Douglas court in the state of Colorado, USA. *Journal of Critique and Analysis of Judicial Opinions*, 1(2), 358-388.
- Sanaiyan, A. A., & Ghamami, M. (2023). *Private international law (Recognition and enforcement of foreign court rulings and decisions)* (Vol. 1st ed.). Tehran: Shareholder Publishing.
- Shokri, F. (2013). Recognition and enforcement of foreign judgments in family disputes. *Journal of Legal Advancement*, 4(2), 31-56.
- Talebi Amanieh, N. (2014). *Recognition and enforcement of foreign court judgments in family matters in Iranian law* Ahvaz: Shahid Chamran University, Faculty of Law]. Master's thesis, supervised by Mansour Atashneh